خبر کوتاه

علیزاده و گاسپاریان در جلسه مطبوعاتی

شرق: جلسه مطبوعاتی کنسرت مشترک حسین علیزاده و ژیوان گاسپاریان صبح امروز در فرهنگسرای نیاوران برگزار می‌شود. حسین علیزاده نوازنده نام‌آشنای تار و سه‌تار موسیقی سنتی ایران طی رایزنی‌هایی که توسط نشر هرمس صورت گرفته قرار است اواخر هفته جاری کنسرت مشترکی با نوازنده مشهور ارمنی ژیوان گاسپاریان برگزار کند و جلسه مطبوعاتی امروز به بررسی چگونگی برگزاری و لزوم آن پرداخته خواهد شد، این کنسرت توسط نشر هرمس و با همکاری انجمن موسیقی‌دانان نیاوران برپا شده است. یکی از نکات جالب جنبی این کنسرت ساخت یک فیلم مستند از مراحل برگزاری این کنسرت توسط سیف‌الله صمدیان است. این جلسه رأس ۱۱ صبح در سالن اختصاصی کاخ نیاوران با حضور این هنرمندان برگزار خواهد شد.

□□□

تلفیقی از موسیقی سنتی و محلی

شرق: گروه موسیقی خنیا به سرپرستی پری ملکی اقدام به برگزاری کنسرتی در تالار وحدت خواهد کرد.

این کنسرت به صورت همخوانی و چندصدایی در دو بخش سنتی و محلی اجرا می‌شود و همخوانی برعهده پری ملکی، فریده آموزگار، پروین کاظمی و حافظ سیدعلیخانی و داود فتحی است و تنظیم قطعات نیز توسط بردیا صدرنوری، شاهین فیاض، پری ملکی و پروین کاظمی صورت گرفته و ترانه‌های محلی این برنامه اجرایی تازه از ملودی‌های مناطق مختلف ایران است که به زبان فارسی اجرا می‌شود.

گفتنی است این برنامه در ساعت ۲۱ روزهای پنج‌شنبه و جمعه شهریورماه پذیرای عموم علاقه‌مندان خواهد بود.

□□□

جیمی هندریکس سلطان گیتار لقب گرفت

مجله موسیقی رولینگ استون (Rolling stone) براساس نظرسنجی انجام شده از میان هزار نفر نوازندگان برجسته گیتار جهان اعلام کرد جیمی هندریکس (Jimi Hendrix) بزرگترین نوازنده گیتار تاریخ موسیقی راک است. هندریکس با اجراهای سلیس، متنوع و قدرتمندش، جهان موسیقی راک را دگرگون کرد. او در سال ۱۹۷۰ در سن ۲۷ سالگی درگذشت. در رده دوم این جدول «دوران آلمن» از گروه Allman Brothers قرار دارد، در حالی که «بی‌بی کینگ» یکی از بت‌های زندگی هندریکس در جای سوم این لیست قرار گرفته است. مقام چهارم بهترین گیتاریست‌های تاریخ موسیقی راک هم به اریک کلاپتون تعلق گرفته است.

در تمام این لیست فقط ۲ زن قرار گرفته‌اند، یکی «جانی میشل» در رده ۷۲ و دیگری «جوان جت» در رده ۸۷. «پیت تاون شند» (Pete townshend) نوازنده گروه قدیمی the who، که خودش در رده ۵۰ این جدول جا خوش کرده است، درباره جیمی هندریکس می‌گوید: «او کسی بود که الکتریک گیتار را زیبا کرد.» رابرت جانسون (نوازنده توانای سبک بلوز که به سال ۱۹۳۸ در سن ۲۷ سالگی درگذشت)، چاک بری، استیوری‌وان، جیمی پیج (از گروه Led Zepplin) و کیت ریچاردز (از گروه رولینگ استونز) دیگر نفراتی هستند که از رتبه پنجم تا دهم این جدول جا گرفته‌اند. جالب اینجاست که در این نظرسنجی «دیوید گیلمور» نوازنده متفکر و توانای پینک فلوید، در رده ۸۲ قرار گرفته است، در حالی که کرت کوبین (Kurt Cobain) خواننده و آهنگساز فقید گروه نیروانا، که با وجود تمام توانایی‌هایش، به هیچ وجه نوازنده برجسته‌ای نبود، نفر دوازدهم این جدول شده است.

□□□

«جانی کش» در بیمارستان

«جانی کش» نوازنده ۷۱ ساله سبک کانتری همچنان در بیمارستان به سر می‌برد.

او که هفته گذشته به دلیل مشکلات سیستم گوارشی خود در بیمارستان بستری شد، برنامه اهدای جوایز MTV را که در شش رشته آن نامزد دریافت جایزه شده بود نیز از دست داد. این نوازنده و آهنگساز قدیمی در طول سال‌های گذشته به دلیل ناراحتی سیستم عصبی و تنفسی خود بارها در بیمارستان بستری شد. اما امیدوار بود لااقل بتواند در مراسم اهدای جوایز MTV حضور داشته باشد. کش در این دوره از جوایز MTV در رشته بهترین اثر ویدئویی سال نیز نامزد دریافت جایزه شده بود. او همچنین برای اثری که برای گروه «Nine inch nails» ساخته بود، نامزد دریافت این جایزه شد. کش یک هفته پیش از بستری شدن در بیمارستان در این باره گفت: «من علاقه خاصی برای ساختن کلیپ ندارم. این هم کاری است مانند کارهای دیگر هرچند در برخی مواقع کار بسیار سرگرم کننده‌ای بود و از آن بسیار لذت بردم.» به گفته سخنگوی بیمارستان «نشویل» که کش در آن بستری شده است، این نوازنده به زودی پس از بهبود وضعیت جسمی از بیمارستان مرخص خواهد شد.

گفت‌وگو با مرتضی اسماعیلی نوازنده «دیجیریدو»

رویاهایی که جان می‌گیرند

مرضیه رسولی

عکس: رضا معطریان

نوازندگان و رقصندگانی که صورت و تن خود را رنگ کرده بودند، داستان به وجود آمدن کره زمین را در شعری به نام «بوگاریگارا» تعریف می‌کردند. آنها چند نفر از بومیان استرالیا هستند که برای کسانی که به تماشای اجرایشان در کنسرتی در فرانسه آمده بودند، تعریف می‌کردند که دو مرد آمدند و کره زمین را ساختند و اول یاد گرفتند چطور آتش درست کنند و داستان آفرینش را با صدای «بوم‌رنگ» و «دیجیریدو» و حرکات موزون تصویر کردند و به موسیقی درآوردند. این چند نفر در این کنسرت نماینده جمعیت بزرگی از ابورژینال‌های (Aboriginal) استرالیا (انسان‌های اولیه) بودند و معتقد به «DREAM TIME». مطابق اعتقاداتشان از ۴۰ هزار سال پیش در استرالیا زندگی می‌کرده‌اند و از زمانی که جهان آغاز شد حضور داشته‌اند و مستقیماً از «رویای» اجدادشان زاده شده‌اند. این اجداد برای حرکت از «رویا» به «عمل» و واقعیت، میمون‌ها، گاوها، درختان، غذاها، خورشید، ماه و سیاره‌ها را ساختند که تمام اینها به یکدیگر قابل تبدیل هستند، چون همگی از یک منبع به وجود آمده‌اند. پس از شکل‌گیری جهان چون اجداد از این وضعیت خسته شده بودند به تدریج به آسمان، زمین، ابرها و نهایتاً dream time تبدیل شدند.

تمام این وقایع را دو رقصنده، دو نوازنده و چند گیتاریست میهمان در آن کنسرت تعریف کردند. آنها تمام بدن خود را با نقوش مختلف رنگ‌آمیزی کرده بودند، نقوشی که روی «دیجیریدو» یکی از سازها هم کشیده شده بود.

صدای «دیجیریدو» به همان اندازه اسم و شکلش عجیب و غریب است. کسانی که دو ماه پیش یعنی دقیقاً در آخرین روز از ماه خرداد، برای دیدن کنسرت مشترک گروه موسیقی شرق به سرپرستی «علی بوستان» و یک گروه جز فرانسوی به سرپرستی «آلن برونه» به فرهنگسرای نیاوران آمده بودند، بیشتر از آنکه مجذوب اجرا و تلفیق موسیقی ایرانی و جز اروپایی شوند، از صدای این ساز لوله‌ای شکل که بیشتر از یک متر طول داشت، به وجد آمده بودند. همان ساز متعلق به بومیان استرالیا را نوازنده‌ای ایرانی به نام «مرتضی اسماعیلی» در آن می‌دمید و انواع صداها از صدای «زنبورک» گرفته تا صدایی شبیه سازهای الکترونیک یا حتی آوازهای دسته جمعی از آن بیرون می‌داد. او همراه «آلن برونه» نوازنده ترومپت و گروهش به دعوت نشر «هرمس» از فرانسه برای اجرای چند کنسرت تلفیقی به ایران آمد و سازی که با خود آورد، حداقل ۱۰ کیلویی وزن داشت.

«مرتضی اسماعیلی» ۳۹ سال دارد و نزدیک ۲۰ سال است که در خارج از ایران زندگی می‌کند و حالا بعد از چند سال دوری از اینجا، اگر حاضر شده با یک گروه غیرفرانسوی در کنسرتی همراهی کند. این به این دلیل است که این کنسرت قرار بود در کشورش اجرا شود. چرا که عقیده دارد، این ساز را فقط باید به همراه خوانندگان، نوازندگان و رقصندگان بومی استرالیا نواخت.

«دیجیریدو» سازی بادی است که از تنه درخت اکالیپتوسی که موریانه داخل آن را خورده، ساخته می‌شود و شیوه نواختنش به شکل ترومپت است. اسماعیلی می‌گوید که این ساز نزدیک ۴۰ هزار سال قدمت دارد و ابورژینال‌هایی که در استرالیا زندگی می‌کردند آن را در مراسم مختلف خود که یکی از آنها داستان آفرینش زمین است، به کار می‌گرفتند. اسماعیلی قبل از «دیجیریدو»، «گیمبارد» (سازی کوچک‌تر از ترومپت) می‌نواخته. می‌گوید که از سن ۱۶ سالگی سفر به کشورهای مختلف را در جست‌وجوی آواهای هارمونیک، موسیقی سنتی و مذهبی آغاز کرده و در سال ۱۹۹۲ به «دیجیریدو» رسیده و توانسته همان هارمونی «گیمبارد» را در آن پیدا کند.

او در سال ۱۹۹۸ به همان منطقه‌ای که ابورژینال‌های استرالیا در آن به زندگی چند هزار ساله خود ادامه می‌دهند، رفت. آنها اجازه دادند با پای برهنه در «رامگینی» میان درخت‌های اکالیپتوس به جست‌وجو بپردازد و دیجیریدویش را خودش انتخاب و رنگ کند. «بومیان استرالیا مرا به پسر خواندگی قبول کردند و این ساز را به شیوه خود یادم دادند. حتی برایم اسم انتخاب کردند. اسم ابورژینالی من «کوجو» به معنی ریشه نیلوفر آبی است که «بمبوما» پدر خوانده‌ام آن را رویم گذاشت.» اسماعیلی مدتی که در شمال شرقی استرالیا با بومیان زندگی می‌کرد، سعی کرد DREAM TIME را از آنها یاد بگیرد و با «دیجیریدو» که حالا توانسته بود صدای زنبورک هم از آن دربیاورد، توصیفش کند. آنها اجازه دادند که او «دیجیریدو» زدنش را شخصی کند: «ما خیلی زود با هم یکی شدیم. آنها در تمام مراسم و برنامه‌ها مرا مثل خودشان رنگ می‌کردند و شعرهای مقدسشان را با دیجیریدویی که من می‌زدم، می‌خواندند.»

ابورژینال‌های استرالیا به بیش از ۲۰ زبان صحبت می‌کنند و از راه شکار و ماهی‌گیری روزگار می‌گذرانند، با گذشت زمان بیشتر با مردمان غیربومی درهم می‌آمیزند و عادات و سنت‌های کهن خود را از دست می‌دهند. حتی حالا بسیاری از نوازندگان آنها به گروه‌های موسیقی راک و جز و گروه‌های مختلف پیوسته‌اند و به اجرای برنامه‌های مشترک که دیگر کمتر رنگ و بوی هنر اصیل بومیان استرالیا را دارد، رو آورده‌اند. اسماعیلی می‌گوید در این چند سال دولت استرالیا بیشتر از گذشته به آنها سخت می‌گیرد، این آدم‌ها از فرهنگ شهرنشینی فرسنگ‌ها فاصله دارند و هنوز بیشتر از آنکه با زبان با یکدیگر صحبت کنند، مفاهیم را با ایما و اشاره‌های دست و صورت به هم منتقل می‌کنند. او در پاریس نمایشگاهی از نقاشی‌های ابورژینال‌های استرالیا برپا کرده است. نقاشی‌های آنان مثل موسیقی‌شان از DREAM TIME می‌گوید و رویاها را به تصویر درمی‌آورد و داستانی را تعریف می‌کند که از ۴۰ هزار سال پیش تاکنون در جریان است. اسماعیلی به نیروی درمانی موسیقی و آوا اعتقاد دارد و تمام تحقیقاتش در این راستا است، اگرچه تحصیلاتش در رشته دندانپزشکی بوده اما کارش در پاریس موزیکوتراپی و درمان ناراحتی‌های روحی با موسیقی‌های بومی است.

در سال ۱۹۹۹ در آنجا انجمن «هارمونیک فوزیون» (Harmonic Fusion) را تأسیس کرد با این هدف که

> ■■■
> ما خیلی زود با هم یکی شدیم آنها در تمام مراسم و برنامه‌ها مرا مثل خودشان رنگ می‌کردند و شعرهای مقدسشان را با دیجیریدویی که من می‌زدم می‌خواندند
> ■■■

ملاقات‌هایی بین هنرمندان سراسر دنیا ترتیب دهد و بعد در دسامبر ۲۰۰۰ و فوریه ۲۰۰۲ کنسرت «سوروپوال» (Survival) در «باتاکلان» (Bataclan) را برای حمایت از اجتماعات بومی برگزار کرد و پس از آن در چند فستیوال جهانی موسیقی با رقاصه‌های بومی استرالیا به اجرای موسیقی پرداخت و با «مجید خلج» نوازنده ایرانی دف گروهی به نام «استراگایا» (Astrgaii) تشکیل داد و چند CD منتشر کرد و دو ماه پیش در کنسرتی تلفیقی و این بار برای ایرانیان، سازش را به صدا درآورد. «آلن برونه» تمام قطعات کنسرت را بر مبنای «دیجیریدو» تنظیم کرد و این ساز را مبنا قرار داد.

اسماعیلی حتی در آن کنسرت زنبورک نواخت و دوئتی با تنبک اجرا کرد و در قطعه‌ای با ترومپت «برونه»، «دیجیریدو» زد.

بعد از کنسرت خیلی‌ها پیش او آمدند و برای یاد گرفتن این ساز ابراز علاقه کردند و اسماعیلی که قرار بود یک ماه در ایران بماند، کلاس‌های چند روزه‌ای برای آموزش «دیجیریدو» در تهران برگزار کرد. او گفت دیگر نمی‌شود سازی را که ابورژینال‌های استرالیا ساخته باشند پیدا کرد. دیجیریدوهایی که در کشورهای مختلف وجود دارد معمولاً در اندونزی ساخته می‌شوند یا اینکه با اره‌برقی به جان درخت‌های اکالیپتوس می‌افتند و یک‌روزه کلی دیجیریدو می‌سازند که برایشان درآمد زیادی دارد و هر کدام از آنها را هزار و ۵۰۰ فرانک تا ۱۵ هزار فرانک به فروش می‌رسانند. اما در تهران که از این نوع دیجیریدو به ندرت یافت می‌شود، با لوله پولیکا یا حتی لوله جاروبرقی و چیزهایی شبیه آن می‌توان نواختن این ساز را یاد گرفت. البته صدایی که از این وسایل درمی‌آید، شباهت زیادی با صدای ساز مقدس بومیان استرالیا دارد. اسماعیلی فیلم کنسرت‌هایش را در فرانسه هم با خود به ایران آورد. کنسرتی که نوازندگان و رقصندگانی تن و صورت خود را رنگ کرده بودند و در شعری به نام «بوگاریگارا» داستان به وجود آمدن کره زمین را تعریف می‌کردند و اسماعیلی در آن کنسرت «دیجیریدو» می‌زد و به رویای ابورژینال‌های استرالیا جان می‌داد.

گزارشی از جشنواره جهانی سنتور در تهران

آوای سرزمین دوردست

سه نفر از نوازنده‌های خارجی که قرار بود در «جشنواره جهانی سنتور» قطعاتی اجرا کنند، در جلسه مطبوعاتی که بنیاد آفرینش‌های نیاوران برگزار کننده این جشنواره، ترتیب داده بود، حضور داشتند «ویکتوریا هرنچار از مجارستان،» «باربارا شرمر» از سوئیس و «مارتینا کریگوفسکا» از اسلواکی با علاقه بسیار درباره پیشینه سنتور در کشورهایشان و وضعیت فعلی آن برای خبرنگاران صحبت می‌کردند، هرچند حرف‌هایشان جالب بود اما بیشتر خبرنگارانی که در آن جلسه حاضر بودند تمایل به شنیدن این چیزها نداشتند سئوال اصلی آنها این بود که چرا در این جشنواره، «ایران» با وجود دارا بودن سبک‌های مختلف در سنتورنوازی و نوازندگان برجسته، تنها دونوازنده از دو سبک حضور دارد؟ مگر نه اینکه هدف برگزار کننده گردآوردن نوازندگانی است که در سنتور نوازی دارای سبک، شیوه و مکتب شاخصی باشند؟ پس بقیه سنتور نوازان صاحب سبک ایرانی کجا هستند؟

غایبان همیشگی

در جشنواره جهانی سنتور که از دو روز پیش در فرهنگسرای نیاوران شروع شده و فردا به پایان می‌رسد، دو نوازنده از ایران و ۸ سنتورنواز از کشورهای هند، بلغارستان، سوئیس، یونان، مجارستان، بلاروس، اسلواکی و چین حضور دارند و قرار بر این بوده که موسیقی کلاسیک یا فولکلوریک کشور خود را با این ساز اجرا کنند. دیروز و امروز «مجید کیانی» با شیوه سنتورنوازی حبیب سماعی قطعاتی را به صورت بداهه اجرا کرد و «سعید ثابت» نیز که ادامه دهنده مکتب «فرامرز پایور» به حساب می‌آید با تنبک «محمد اسماعیلی» به اجرای برنامه پرداخت اما نوازندگانی که دیگر سبک‌های استادانی چون «محمدصادق‌خان»، «اسماع حضور»، «صبا»، «برومند» و... را در سنتور نوازی معرفی می‌کنند، پیدایشان نبود. «ساسان رسولی» مدیر بخش موسیقی بنیاد آفرینش‌های هنری نیاوران گفت که برنامه‌ریزی و دعوت از هنرمندان برای حضور در این جشنواره از اسفندماه سال پیش شروع شده و کلی طول کشیده تا توانسته‌اند این نوازندگان را دورهم جمع کنند.

آنها تردید می‌کنند

اما حقیقت چیز دیگری است. حداقل در موسیقی، هنرمندانی که حرفی برای گفتن داشته باشند علاقه‌ای برای حضور در رویدادهای داخلی ندارند. چه عاملی در جشنواره‌های داخلی وجود دارد که آنها را خوشبین و دلگرم کند؟ این جشنواره‌ها حداقل در داخل کشور چقدر بازتاب پیدا می‌کند؟ چقدر برای آن تبلیغ می‌شود و مردم را به سالن‌ها می‌کشاند و نفعی به حال موسیقی کشور دارد؟ مگر نه این است که بیشتر این رویدادها به اجرای صرف چند نوازنده که بیشتر به کنسرت می‌ماند تا یک جشنواره در حد گسترده، خلاصه می‌شود؟ آیا می‌شود به اجرای چند نوازنده در چند روز پیوسته نام جشنواره گذاشت؟ مخصوصاً جشنواره‌های دولتی که برنامه‌ریزی برای تدارک آن فقط از یک یا دو ماه قبل شروع می‌شود و بیشتر فرمایشی است تا رویدادی تاثیرگذار و جریان‌ساز و برای بیشتر هنرمندان این شائبه را هم به‌وجود می‌آورد که بی‌طرف نیست و در پس خود حواشی بسیاری دارد که بی‌ارتباط با اصل هنر و رویدادی به‌نام جشنواره است.

حضور رئیس انجمن بین المللی سنتور

این برنامه بدون کمک و همفکری مرکز موسیقی که متولی سیاستگذاری و برنامه‌ریزی برای این هنر در کشور است، اجرا می‌شود و بنیاد آفرینش‌های نیاوران همیشه یکی از مراکزی بوده که اجرای موسیقی هنری و با اصالت

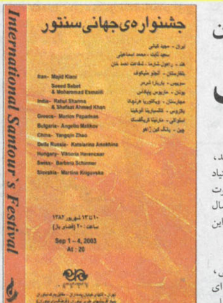
جشنواره‌ی جهانی سنتور
International Santour's Festival
Iran- Majid Kiani
Saeed Sabet & Mohammad Esmaili
India- Rahul Sharma & Shafaat Ahmed Khan
Greece- Marios Papadeas
Bulgaria- Angelo Malikov
China- Yangqin Zhao
Bella Russia- Katsiarina Anokhina
Hungary- Viktoria Herencsar
Swiss- Barbara Schirmer
Slovakia- Martina Krigovska
۱۰ تا ۱۳ شهریور ۱۳۸۲
ساعت: ۲۰
Sep 1 - 4, 2003
At: 20

را در برنامه‌های خود داشته است. یکی از مزیت‌های این جشنواره هم حضور «ویکتوریا هرنچار» رئیس انجمن بین‌المللی سنتور است. این انجمن بیشتر از ۱۰۰ عضو از ۲۹ کشور جهان دارد و هر دو سال یکبار در نقاط مختلف فستیوالی را برگزار می‌کند که در آن سنتور نوازان به اجرای موسیقی تلفیقی، کلاسیک و فولکلور می‌پردازند. «هرنچار» در آن جلسه مطبوعاتی می‌خواست هرچه بیشتر درباره این انجمن و سنتورنوازی در مجارستان صحبت کند، اگرچه کاملاً موفق نشد. او که از سال ۱۹۹۱ به ریاست کنگره جهانی سنتور انتخاب شده است، گفت: «یکی از موسسان این کنگره مرحوم «حسین ملک» بود که همیشه دوست داشت ما فستیوالی را در ایران برگزار کنیم، اما به دلیل مرگ وی این اقدام به تعویق افتاد».

سنتور دیگران

«ویکتوریا هرنچار» سنتور نوازی از کشور مجارستان است. در آنجا به این ساز «سیمبالوم» می‌گویند. سنتور در قرون وسطی توسط مردم مهاجر به اروپا آورده شد و تا قرن ۱۵ در بیشتر کشورهای اروپایی از آن در اجرای موسیقی استفاده می‌شد. در آن زمان شکل این ساز در اروپا مثل سنتور ایران بود. می‌شد آن را روی میز گذاشت و با دو چوب نواخت، اما الان «سیمبالوم» در مجارستان روی یک چهارپایه قرار می‌گیرد و پدال دارد. در قرن ۱۸ این ساز در اروپا کاملا رایج و مردمی بود و «مجارها» موسیقی فولکلور خود را با آن می‌نواختند و در قرن ۱۹ بود که آهنگسازان متوجه شدند می‌توانند آن را در قطعاتی که می‌سازند به کار بگیرند. به همین دلیل از این زمان تلفیق موسیقی فولکلور و کلاسیک در این ساز آغاز شد و خیلی از آهنگسازان مثل «فرانس لیست» از آن در آثار خود استفاده کردند و تدریس «سیمبالوم» در مجارستان آغاز شد و در حال حاضر در دانشگاه‌های موسیقی و کنسرواتوارها تدریس می‌شود. «هرنچار» از سال ۱۹۹۷ تا حالا در سازمان موسیقی و آکادمی فرهنگ «بانسکابیستیرکا» در اسلواکی و از سال ۱۹۹۴ در مرکز بین‌المللی موسیقی مجارستان «سیمبالوم» را تدریس می‌کند. «باربارا شرمر» سنتورنواز کشور سوئیس هم که در این جشنواره حضور داشت، گفت که زمانی که پیانو در این کشور رایج شده «سنتور» را فراموش کرده‌اند. این ساز را از قرن‌ها پیش کشاورزانی که سنت موسیقی سوئیس را حفظ کرده‌اند می‌نواختند. آنها سازهایشان را خود با شیوه‌ای کاملا متفاوت از یکدیگر می‌ساختند. این ساز را که در سوئیس به آن «هکبرت» می‌گویند، بیشتر زنان می‌نواختند. نواختن این ساز در ۲۰ سال گذشته از کوهستان به شهر برگشته است، اما هنوز امکان آن وجود ندارد که سنتور را در کنسرواتوارهای سوئیس آموزش داد. اما «مارتینا کریگفسکا» سنتورنواز اسلواکی عنوان کرد که اقبال «سیمبال» در این کشور طوری است که نواختن آن در مدارس متوسط از ۲۰ سال پیش شروع شده است و این کشور برای تدریس این ساز یک آکادمی مخصوص دارد. در جشنواره جهانی سنتور علاوه بر این نوازنده‌ها، «راهول شارما» به همراه شفاعت احمدخان (نوازنده طبل) از هند، «آنجلو ملیکوف» از بلغارستان، «ماریوس پاپادآس» از یونان، «کاتسیارینا آنوخینا» از بلاروس و «یانگ کین ژاهو» از چین به اجرای موسیقی سنتی و فولکلوریک کشورهای خود پرداختند.

نگاه منتقد

تکیه بر گذشته، نگاه به آینده

امیر تقی‌نژاد

تصور خانواده کامکارها در ایامی که اعضای این خانواده در یکی از محلات سنندج زندگی می‌کردند خالی از لطف نیست. حسن کامکار پدر خانواده با توجه به علاقه وافر وی به موسیقی فرزندان خود را با ساز و نوای موسیقی پرورش داد. موفقیت و اقبال گروه کامکارها در عصر حاضر شاید بهترین شاهد و گواه تلاش و دغدغه‌های مرحوم حسن کامکار باشد که امروز به ثمر رسیده‌اند. چهار شب اجرای برنامه در فضای باز مجموعه نیاوران و پوشش بیش از ده هزار مخاطب تنها از عهده گروه‌های بزرگ و محبوب موسیقی برمی‌آید. این در حالی است که گروه کامکارها با عنوان موسیقی کردی در میان مردم شناخته می‌شوند، اما کیفیت و چگونگی موسیقی که توسط کامکارها تولید می‌شود توانسته اقوام غیرکرد را نیز به این نوع موسیقی علاقه‌مند کند. به هنگام مواجهه با آثار کامکارها پیش از هر چیز هماهنگی فوق‌العاده اعضای گروه توجه را به خود جلب می‌کند. این هماهنگی شامل صدا و نوای خاصی است که از دل گروه کامکارها خارج شده و به صورتی منحصر به فرد به گوش می‌رسد. در موسیقی کامکارها تنها صدای یک ساز شنیده نمی‌شود بلکه تمام سازها به واسطه تنظیم و ارکستراسیون در حال تولید همان نوای خاص هستند. این توفیق بیش از هر کس مدیون دانش و درک هوشنگ کامکار به عنوان سرپرست و مدیر هنری گروه است که همانند کارگردانی خبره از بازیگران خوبی که در اختیار دارد بهترین بازی را می‌گیرد.

پاسا‌ژها و قطعات سازی تصنیف‌های اجرا شده در کنسرت اخیر کامکارها در مجموعه تاریخی نیاوران بدون کمترین نقصی نواخته شدند اما عدم انسجام در بخش‌های آوازی قطعات لطمه قابل توجهی به یکدستی و روانی آثار ارائه شده زده است. تا پیش از به کارگیری گسترده گروه‌ها از همخوانان زن تنها یک خواننده به خواندن قطعات آوازی و تصنیف‌ها می‌پرداخت و در مواقع خاصی و به فراخور حال و هوای تصنیف‌ها و به خصوص موسیقی‌های عرفانی از صدای نوازندگان گروه به عنوان همخوان استفاده می‌شد اما در حال حاضر حضور تعداد زیاد همخوانان زن در گروه‌های مرثیه و به طور مشخص گروه کامکارها تا حدی جایگاه خواننده و مقوله آواز را در آثار کامکارها دچار خدشه کرده است.

نجمه تجدد، مریم ابراهیم‌پور و صبا کامکار به عنوان همخوانان و ارسلان و بیژن کامکار به عنوان تکخوانان مرد گروهی متشکل از پنج خواننده را تشکیل داده‌اند و به این تعداد بیفزایید زمزمه سایر اعضای گروه که در مواقع خاصی به گوش می‌رسید.

تنها ساز ایرانی که در گروه کامکارها نقش فعالی ندارد «تار» است. پیش از کنسرت اخیر این گروه امید لطفی فرزند محمدرضا لطفی نوازندگی تار را در گروه کامکارها بر عهده داشت. پس از سفر وی به خارج از کشور این وظیفه به یکی از اعضای نسل دوم این خانواده محول شده است. «نیریز کامکار» فعلاً صاحب جایگاه نوازندگی تار در گروه کامکارها شده است و باید دید آیا او می‌تواند این سمت را برای خود حفظ کرده و به عنوان یک عضو فعال همانند عموهایش در گروه شناخته شود یا خیر. چگونگی برگزاری کنسرت کامکارها به عنوان فرآیندی خارج از بخش اجراهای قطعات و نوازندگی سازها نیز به عنوان روی دوم سکه این کنسرت قابل توجه است. از آنجایی که سازماندهی و کیفیت برگزاری این کنسرت‌ها تأثیر مستقیم بر روی رضایت و عدم تماشاچیان دارد پرداختن به این مقوله درباره کنسرت خالی از فایده نخواهد بود.

صداهایی که از درون نوارها و CDهای این گروه شنیده می‌شوند و به طور کلی نوای خاص کامکارها در اجراهای زنده کمی دچار خدشه می‌شوند. صدابرداری ضعیف برگزارکنندگان کنسرت‌های موسیقی در فضای باز همواره سطح کیفی گروه‌های موسیقی را تنزل داده به گونه‌ای که بسیاری افراد این نقص را متوجه خود گروه و نوازندگان می‌دانند در حالی که این نقص تنها متوجه چگونگی صدابرداری و آشنایی برگزارکنندگان با خصوصیات موسیقی و سازهای موجود در گروه است. این مشکل در اجرای نیاوران نیز کاملاً مشهود بود و به نظر می‌رسد با توجه به دفعات وقوع این اشکالات از کنسرت‌های شهرام ناظری و ارکستر ملی در مجموعه سعدآباد گرفته تا کنسرت گروه آریان در همان مجموعه و همین کنسرت کامکارها این به اصطلاح نقص فنی به این زودی‌ها قابل رفع نباشد.

مشکلات برگزاری این کنسرت در صدابرداری خلاصه نشده و تأخیر در آغاز برنامه را نیز شامل می‌شود. دلیل عمده این تأخیر؛ شماره داشتن بلیت‌ها و شماره نداشتن صندلی‌های کنسرت و بالطبع سردرگمی و اعتراض تماشاچیان به وضعیت موجود بود. مشکلی که شب اول غافلگیری تماشاچیان و شب‌های بعد رقابتی تماشایی جهت فتح صندلی‌های مناسب را به همراه داشت. در اجرای نیاوران تعدادی از آثار کامکارها برای اولین بار به اجرا در آمد. تصنیف‌های غم هجران ساخته قشنگ کامکار، حجاب چهره جان ساخته هوشنگ، قطعه وردخوانی ساخته هوشنگ و تصنیف خبری قاسم خان با تنظیم هوشنگ کامکار از جمله این آثار هستند.